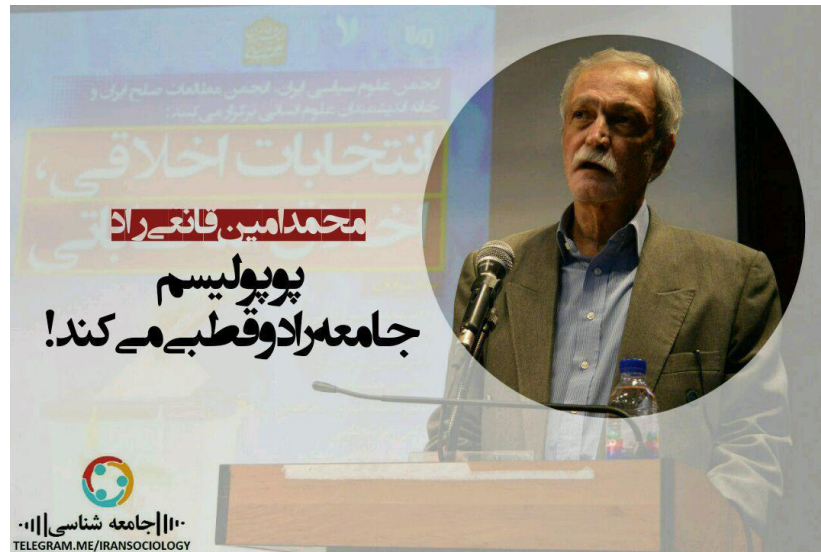


قانع‌ی راد نسبت به خطر دو قطبی شدن جامعه با دامن زدن به مباحث پوپولیستی هشدار داد.

کانال جامعه‌شناسی <https://telegram.me/IranSociology>



دما دم: دکتر محمد امین قانع‌ی راد عضو هیات علمی مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور در نشست پوپولیسم در مصر، ترکیه و ایران که با همکاری گروه جامعه‌شناسی صلح انجمن جامعه‌شناسی ایران و پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی روز ۱۶ اردیبهشت در سالن اندیشه این پژوهشگاه برگزار شد در ابتدا با اشاره مباحث مفهومی پوپولیسم گفت: به نظرم فرایندی به نام فرایند نوسازی یا مدرن شدن جوامع وجود دارد که اتفاق می‌افتد، این هم به معنای تحول اجتماعی فرهنگی است که رخ می‌دهد و نه صرفاً به معنای محدود مدرن شدن نیمه قرن نوزدهم. فردی که این تحول فرهنگی - اجتماعی را خوب تبیین می‌کند ماکس وبر است. او می‌گوید که اتفاقی که در این فرایند می‌افتد رشد عقلانیت و سازمان است. یعنی بروکراتیک شدن جامعه در کنار عقلانی شدن جامعه است. یعنی یک صورت زندگی اجتماعی که آنرا «سازمان» می‌نامد رشد می‌یابد و از طرف دیگر هم یک شیوه تفکر هم که آنرا عقلانیت می‌نامد رشد می‌کند. بنابراین عقلانیت و سازمان به نوعی با همدیگر مرتبط و مشروطند .

وی گفت: بنابراین با مدرنیزاسیون یک فرایند سازمان‌یابی جامعه ایجاد می‌شود در صورتیکه قبلاً جامعه سازمان نداشت. یا به صورت‌های ایلی، قبیله‌ای یا به تعبیری کامیونیتی در جریان بود. اما در اینجا می‌خواهد سازمان‌های شکل بگیرد. یعنی صورت‌های جدید زندگی اجتماعی است و افراد حزب، سازمان‌های غیر دولتی و... تشکیل می‌

دهند. خود دولت برورکراسی را تشکیل می دهد. این سازمان ها همراه خودشان یک سری معیارها و ضوابط می آورند. که هر کدام برای خودشان از یک استاندارد برخوردار هستند. همان چیزی که وبر در کنار سازمان هم تعریف می کند که مبتنی بر یک سری قواعد غیر شخصی است، یعنی قواعد عام گرایانه که در شرایط مختلف باید تحقق پیدا بکند. در این فرایند که اتفاق می افتد یک سری از مردم عادی آسیب می بینند به دلیل اینکه در این سازمان ها نخبگان به یک سری امتیازات دسترسی پیدا می کنند.

قانعی راد افزود: مثلا در دانشگاه یک سری دانشگاهیان جایگاهی پیدا می کنند و... ممکن است برخی ها در این فرایند احساس بی عدالتی بکنند و احساس کنند که سازمان ها و نخبگان موجود نسبت به آنها دارند بی توجهی می کنند. این افراد معمولا تمایلی به برهم زدن نظم اجتماعی دارند. این سازمان ها را دگرگون کرده و این عقلانیت موجود را به چالش میکشند و در مقابل آن یک عقلانیت دیگری را مطرح کنند که مدافع منافعشان باشد. از طرفی ما اشخاصی داریم که دارای یک نظام فکری هستند که از این فرایند سازمان یابی جامعه آسیب دیده اند و یک رویکرد نوستالژیک به یک وضعیت قدیمی دارند. و تمایل دارند به آن وضعیت نوستالژی برگردند، یعنی در شرایط دموکراسی احساس امنیت نمی کنند. چرا که یکی از ویژگی های دموکراسی این است که ممکن است در بعضی جاها ناامنی هستی شناختی ایجاد بکند. چون به شما می گوید که انتخاب بکن، همان بحثی که کانت تحت عنوان روشنگری و مسئولیت پذیرفتن تصمیمات خود را پذیرد می کند.

وی یادآور شد: اینکه انسان قدرت انتخاب داشته باشد، در واقع یک وضعیت هولناکی ایجاد می کند که همه آماده نیستند که این وضعیت را بپذیرند. انسان ها مایلند که در یک فضای امن زندگی بکنند و برایشان تصمیم گرفته شود، و نخواهند در موقعیت های مختلف تصمیم بگیرند، چرا که انتخاب یک پدیده دشوار است. مثلا مکاتبی مانند اگزیستانسیالیسم بوجود می آیند که مسئله شان انتخاب است. در واقع اضطراب انتخاب مطرح می شود و اگزیستانسیالیسم هم در جامعه مدرن شکل می گیرد. به فرض مثال در جامعه قرون وسطی مسئله انتخاب جایگاهی ندارد. بنابراین یک سری افراد هستند که در عرصه اجتماعی از وضعیت سازمان یابی جامعه احساس ناراضی می کنند. از طرفی هم افرادی هستند که به کانون های سیاسی نزدیکند و اساسا از شکل گیری این فرایند سازمان یابی اجتماعی که بتدریج نیروی تصمیم گیری را از مراجع اقتدار سنتی سلب می کند و به سازمان های مدرن می دهد

احساس رنج می کنند. احساس یک آشوب می کنند که بعضا فرد احساس می کند که باید از آن جایگاه های اقتدار پیشین به صورت محکم دفاع کند.

قانعی را در ادامه گفت: من این دو گروه را پوپولیزم سیاسی و پوپولیزم اجتماعی می نامم که به نظرم پوپولیزم اجتماعی در جامعه خودمان بسیار قوی است. یعنی تنها گروه هایی در عرصه سیاست نیستند که فکر می کنند که جامعه را باید سازمان زدایی کرد که طبیعتا برای آن کار باید نخبه زدایی کرد. مثلا کاری که آقای احمدی نژاد در تعطیل کردن سازمان برنامه و بودجه کرد؛ یعنی ابتدا سازمان زدایی کرد و دوم نخبه ها را کنار زد. چرا که منظورم از نخبه گان، نخبه گان سازمانی است که در شرایط جدید پیدا می شوند نه نخبه ای که درون خانه اش نشسته است. پوپولیزم در واقع نمی خواهد که بر روی نیروی کارشناسی کشور حساب باز کند. هدفش هم توزیع پول و بهبود وضعیت مردم نیست بلکه بیشتر هدفش بازگشت به یک وضعیت نوستالژیک است.

وی تصریح کرد: به همین دلیل است که می بینیم با وقوع انقلاب اسلامی فقط اقتدار شاه نیست که از بین می رود بلکه اقتدارهای دیگر مثلا در حوزه خانواده هم کاهش پیدا می کنند. در واقع دوره ای به نام دموکراسی به وجود می آید که باید رای مردم را به دست بیاوری. حالا چگونه این رای را به دست بیاوری؟ اینجاست که باج می دهد و از ثروت های ملی هزینه می کند. متاسفانه در جاهایی هم از باورهای ملی، دینی یا اعتقادات مردم هزینه می شود. این دو وجه المصالحه ای می شود که با آن ها به نوعی بازی شود تا بتوانند آن وضعیت پیشین را استمرار ببخشند . قانعی راد با اشاره به پوپولیزم علمی گفت: چیزی که در دانشگاه ها است و برخی افراد فکر می کنند که یک شبه می توانند بدون خوردن دود چراغی همه مدارج را طی بکنند. وقتی این دو با همدیگر تعامل برقرار می کند، فاجعه ایجاد می شود. به همین دلیل است که در همه جای دنیا وقتی قانون اساسی گذاشته می شود جایگاه نهادهای نخبه گرا تعریف می شود. مثلا آقای ترامپ سیاست پوپولیستی را به عنوان یک سیاست انتخاباتی نه یک سیاست عمومی، اتخاذ کرد. یعنی بلافاصله بعد از انتخاب شدن ایشان در امریکا هیچ سازمانی را نمی تواند دست بزند و هیچ نخبه ای را هم نمی تواند جابجا کند. یعنی بیشتر یک تاکتیک بود تا یک استراتژی. بنابراین من فکر می کنم که جامعه امریکا شرایط ادامه پوپولیزم را به ترامپ نخواهد داد.

وی در ادامه به شخصیت محمد مُرسی پرداخت و گفت: در سال ۲۰۱۱ انقلاب مصر اتفاق افتاد و ۲۰۱۲ مرسی با فرایند انتخابات انتخاب شد. ایشان به جای اینکه کمک بکند که فرایند های دموکراسی در جامعه پیش برود به همان وضعیت نوستالژیک اندیشیدن پرداخت. مثلاً شریعت گرایی را در جامعه مصر مطرح کرد و در واقع مقداری لبه سنت را بیشتر کرد. حالا برای پیش برد برنامه های خود چکار باید می کرد: یک راه این است که مجلس برنامه های او را بررسی و تصویب یا رد بکند. راه دیگر این است که توده مردم را به میدان بیاورید. توده های مردم را به این دلیل که می خواهید سازمان زادی بکنید به میدان می آورید. به یک معنای می توان گفت ایشان موجب به بن بست رسیدن انقلاب مصر شد و نهایتاً در سال ۲۰۱۳ با یک کودتایی که نظامیان کردند، که استدلالشان هم این بود که اگر می توان در میدان تحریر جمع شد و مبارک را سرنگون کرد، پس مرسی را هم می توان سرنگون کرد. بنابراین ارتش دخالت کرد که کاش این اتفاق نمی افتاد و مُرسی از این موقعیتی که مصر برای عبور از این گردنه پیدا کرده بود استفاده می کرد.

قانعی راد در ادامه به شخصیت اردوغان پرداخت و گفت: او تحصیلات دین دارد و مدرکی هم از دانشگاه مرمره در رشته اقتصاد ارائه کرده که محل بحث است. او یکی از محدود رئیس جمهورهاست که هیچ زبان خارجی بلد نیست، با طرح کنترل جمعیت مخالف است، هدفش هم تبدیل ریاست جمهوری به یک پست تشریفاتی است که بتواند قدرت داشته باشد. بحث بازسازی امپراتوری ترک ها را مطرح کرد، مثلاً در استقبال از محمود عباس شانزده سرباز را در لباس سپاهیان شانزده امپراتوری ترک به کار برد.

وی افزود: دو بحث در اینجا وجود دارد یکی بحث شخصیت های این افراد است که با هم شباهت دارند و یکی هم جایگاه جوامعی که در آن هستند است. شباهت های شخصیتی مانند بلندپروازی، توهم اندیشی، اغراق کردن درباره واقعیت ها و ناصداق بودن و... است. اما وضعیت تمدنی که اینها در آن زندگی می کنند که به نظرم بر پوپولیزمشان تاثیر دارد، یکی این است که اینها به امپراتوری های باستانی تعلق دارند. یعنی (پارسیان، فراعنه و عثمانی) اینها یک تاریخ بزرگ در پشت سر دارند که می تواند انرژی عاطفی ایجاد بکند. مثلاً شهرهای بزرگ داشته اند. کشور ایران

و عثمانی در برخورد با مدرنیته آسیب خوردند که این آسیب دیدگی شاید در ذهنیت این افراد بی تاثیر نباشد. به نظرم این شباهت ها در پوپولیزم بی تاثیر نیست.

قانعی راد در ادامه با اشاره به وضعیت آسیب پذیری کشورهای منطقه گفت: آقای مُرسی فرصتش را از دست داد و من معتقدم که اردوغان هم در معرض این خطر قرار دارد. به دلیل اینکه اگر پوپولیزم خیلی پیش برود نهایتاً ایجاد دولت است. بعد ایستادن دو ملت در برابر همدیگر و فروپاشی و تجزیه و جنگ داخلی است. مثلاً شما ببینید که درصد های ۵۱-۴۹ درصدی درصدهای انفجاری است که ما عین این درصد را در مصر، ترکیه و ممکن است که چیزی شبیه این را در ایران داشته باشیم. یعنی وضعیت ایران هم در این زمینه مستثنی نیست. من معتقدم که ترکیه وضعیت اسفباری دارد، شکاف های قومی، اجتماعی، مذهبی دارد. شکاف های مدرن و سنتی وجود دارد، این را در مصر هم می بینیم. بنابراین ترکیه اردوغان در مرز خطر قرار دارد. به نظرم ایران هم اگر در این بازی بیافتد با این خطرات روبرو خواهد شد. یعنی آینده این کشور ظرفیت دوقطبی شدن را ندارد.

گزارش : خداداد خادم

<https://telegram.me/IranSociology> کانال جامعه شناسی